

به نام خدا

# مُجَاب

اشعار کوتاه و بلند

ایرج مرآتی

انتشارات ارسطو  
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۵

سرشناسه: مرآتی، ایرج، ۱۳۴۴ -  
عنوان و نام پدیدآور: مجاب: اشعار کوتاه و بلند/ ایرج مرآتی.  
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.  
مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۵۱-۱  
وضعیت فهرست نویسی: فیفا  
موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴  
موضوع: 20th century -- Persian poetry  
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ م۳ ۱۲۴ ر / PIR۸۳۶۱  
رده بندی دیویی: ۸۱۶۲/۸  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۹۵۵۱۰

نام کتاب: مجاب  
مؤلف: ایرج مرآتی  
ناشر: ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵  
چاپ: مدیران  
قیمت: ۸۵۰۰ تومان  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۵۱-۱  
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

---

هر چیز وابسته به خرد و خرد نیازمند فرهنگ است

امام علی (ع)

---



## آغاز

۲۵۰۰ سال پیش به محمد (ص) وحی شد بخوان او نخوانده خواند

امروز تو بخوان

۲۵۰۰ سال پیش به محمد وحی شد بخوان او بی وقفه خواند

امروز تو بخوان

۲۵۰۰ سال گذشته است تو دگر همه چیز را بدان

امروز تو بخوان

۲۵۰۰ سال گذشته است دیگر منتظر زمان نمان

امروز تو بخوان

آهش بخیر	آمد آن دل که مرا یاد کرد
آهش بخیر	آمد آن دل مرا شاد کرد
آهش بخیر	آمد آن دل که مرا داد کرد
آهش بخیر	آمد آن دل مرا ساز کرد

آشتی کن	آشیان سوز جانت باز نیست
آشتی کن	آشیان سوز جانت راز نیست
آشتی کن	آشیان سوز جانت اواز نیست
آشتی کن	آشیان سوز جانت جاز نیست

آهسته رو	آتشی بر گپرو بر جانم بزن
آهسته رو	آتشی بر گپرو بر دهان بزن
آهسته رو	آتشی بر گپرو بر سامان بزن
آهسته رو	آتشی بر گپرو بر انان بزن

آستین حلقه امید را	آینه کن
آستین حلقه توحید را	آینه کن
آستین حلقه جاوید را	آینه کن
آستین حلقه درویش را	آینه کن

آلبوم عشق خود را باز کن	آهنگی بزن
آلبوم عشق خود را ناز کن	آهنگی بزن
آلبوم عشق خود را آغاز کن	آهنگی بزن
آلبوم عشق خود را آثار کن	آهنگی بزن

آهنی وجدان گناهی باز کن	وجدانت کجاست
آهنی وجدان صدایی باز کن	وجدانت کجاست
آهنی وجدان ردایی ساز کن	وجدانت کجاست
آهنی وجدان در جدایی ناز کن	وجدانت کجاست

افتادگی آموز اگر ایستاده ای امروز

افتادن دوست

افتادگی آموز اگر آب نداری در کوزه تو در روز

افتادن دوست

افتادگی آموز اگر نان نداری در سفره تو هر روز

افتادن دوست

افتادگی آموز اگر عهد شده غصه امروز

افتادن دوست

استخوان ناز و استخوان باز بی استخوان

استخوان ساز جوانی و راز بی استخوان

استخوان باز کتیرایی راز بی استخوان

استخوان بازی و استخوان سازی بی استخوان



ارتباطی را که با من داشتی	یادم بکن
ارتباطی را که با من ساختی	یادم بکن
ارتباطی را که در دل داشتی	یادم کن
ارتباطی را که در دل ساختی	یادم کن

از هنوز و از هنوزهایت بگو	یا منتظرم باش
از هنوز و از هنوزهایت بخوان	یا منتظرم باش
از هنوز و از هنوزهایت بشنو	یا منتظرم باش
از هنوز و از هنوزهایت بدان	یا منتظرم باش

از نگاه دگری آمد و با من می گفت	نگرانم کرد
از نگاه دگری راز به رازم می گفت	نگرانم کرد
از نگاه دگری ساز به سازم می زد	نگرانم کرد
از نگاه دگری باز به یادم می گفت	نگرانم کرد

اوباما تو با خود چه می کنی تحریم می کنی هسته ای را تحدید می کنی  
روی میزت را نگاه می کنی

مرگ بر اسرائیل

اوباما تو با خود چه می کنی خود را با علم همه را بی علم می کنی صحبت  
از عدالت نیست علم عادل است چون در دست خدای قادر است

مرگ بر اسرائیل

اوباما تو با خود چه می کنی پایه ی میزت اسرائیلی است روی میزت  
اسرائیل است تو نقطه ای چه می کنی

مرگ بر اسرائیل

اوباما تو با ما چه می کنی ما بارگاه شهادتیم ما پایگاه شهادتیم ما از زمان  
سردار بزرگمان حسین در راه شهادتیم

مرگ بر اسرائیل

اسلام ۲۵ قرن عبور کرد و می کند اسلام آمده است تا عبور کند جهل  
را در کیسه و نور را شعور کند

اسلام ۲۵ قرن عبور کرد و می کند ۲۵ قرن دیگر عبور کند تازه از سن  
محمد عبور می کند

اسلام ۲۵ قرن عبور کرد و می کند اسلام تا آخرین نقطه عبور می کند  
انسان باید به جای دیش و ماهواره از نور عبور کند

اسلام ۲۵ قرن عبور کرد و می کند سرعت نور سرعت صوت علم  
حاضرند سرعت صوت نور می روند تا از علم دیگری عبور کنند

باز این چراییم تو را شناخت

با هر قدمت

باز این این چراییم با تو ساخت

با هر قدمت

باز این چراییم آلاله ساخت

با هر قدمت

باز این چراییم سازی نواخت

با هر قدمت

باز در تاریکی دل را ابر آمد  
باز تا کی

باز در تاریکی دل را صبر آمد  
باز تا کی

باز در تاریکی دل را درد آورد  
باز تا کی

باز در تاریکی دل را خیر آمد  
باز تا کی

بی قراری بی نوایی بی رحمی شد  
رحمی بکن

بی قراری بی نوایی بی کسی شد  
رحمی بکن

بی قرار بی نوایی بی نغم شد  
رحمی بکن

بی قرار بی نوایی بی رغم شد  
رحمی بکن

بی خیال و بی ذوق برترند  
بلوا و بلم

بی خیال و بی ذوق برنامه اند  
بلوا و بلم

بی خیال و بی ذوق بالا پوش همند  
بلوا و بلم

بی خیال بی ذوق بر جسته اند  
بلوا و بلم

پاد زهری بساز	پنجه آفتاب را پارو بزن
پاد زهری بساز	پنجه آفتاب را پرگار زن
پاد زهری بساز	پنجه آفتاب را پرتاب کن
پاد زهری بساز	پنجه آفتاب را پرچم بکن

پیر دوران شو	پیردانا باش یا پیرمنا
پیر دوران شو	پیردانا باش یا پشیمانی
پیر دوران شو	پیردانا باش یا پایانه شو
پیر دوران شو	پیردانا باش یا پرهیز کن

پاسداری کن	پیام را با نگاهت پرتاب کن
پاسداری کن	پیام را با نگاهت پر خواب کن
پاسداری کن	پیام را با نگاهت پیمانه کن
پاسداری کن	پیام را با نگاهت پانچ کن

پایان یک پدیده باز نیست

آرمانی بجو

پایان یک پدیده پرهیز نیست

آرمانی بجو

پایان یک پدیده پاداش نیست

آرمانی بجو

پایان یک پدیده آغاز نیست

آرمانی بجو

تشویق بی پایه ترانه ساز نیست

اجبار چیست

تشویق بی پایه اجبار نیست

اجبار چیست

تشویق بی پایه باز نیست

اجبار چیست

تشویق بی پایه مجاز نیست

اجبار چیست

تقوا و تقلید تقویم نیست

توشه راه

تقوا و تقلید تصمیم نیست

توشه راه

تقوا و تقلید توبه نیست

توشه راه

تقوا و تقلید تردید نیست

توشه راه

تدريس و تحصيل	تقلب و تمدن ترسيم چيست
تدريس و تحصيل	تقلب و تمدن تبليغ چيست
تدريس و تحصيل	تقلب و تمدن تفریح نيست
تدريس و تحصيل	تقلب و تمدن تزريق نيست

تنبل و تنومند	تفاوت با تفاهم توبيخ شد
تنبل و تنومند	تفاوت با تفاهم تصوير شد
تنبل و تنومند	تفاوت با تفاهم به تعداد
تنبل و تنومند	تفاوت با تفاهم تدوين شد